



شهادت حضرت فاطمه زهرا (س)،

تعزیت و تسلیت باد



حضرت فاطمه (س) از زبان ائمه اطهار (ع)	برخی دستاوردهای انقلاب اسلامی	بیانیه بسیج اساتید به مناسبت ۲۲ بهمن
مؤسسات مالی غیرمجاز!؟	سبک زندگی در کلام امیرالمومنین (ع)	دوام و زوال نعمات الهی جوامع
اخبار	***	تفاوت ترور و جهاد

سال اقتصاد مقاومتی، **تولید و اشتغال** هم تمام شد.

دولت گزارش دهد.



وعده روحانی برای سال ۹۵: سال آینده سال شکوفایی و پیشرفت کشور ایران به حول و قوه الهی خواهد بود.
 وعده روحانی برای سال ۹۶: سال جدید، سال پیشرفت بیشتر برای ملت عزیز و اشتغال بیشتر برای جوانان ما خواهد بود.
 وعده روحانی برای سال ۹۷: دو هدف اشتغال و رفع فقر مطلق را در بودجه ۹۷ آورده‌ام + دهها "باید".

بیانیه بسیج اساتید به مناسبت ۲۲ بهمن

با تمام زر و زورش نترسید، چرا که به راستی "وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ" (۱۳۹ آل عمران)، شما هرگز سستی نکنید و اندوهناک نشوید، زیرا شما برترین هستید اگر در ایمان خود ثابت قدم باشید. آن ورشکستگان به تقصیری که از حق بریده‌اند و در هر فرصتی خواب رابطه و سازش با آمریکا را می‌بینند، همانها که بر دوش انقلاب سوار شدند و بر خون شهداء و حق مظلومین پای کوبیدند، رانت‌خواری کردند، حقوق‌های نجومی را حریصانه گرفتند، اختلاس نمودند، اشرافیت و اشرافی‌گری را توجیه نمودند و در نقشه شیطان بزرگ علیه انقلاب، نقش نفوذی را ایفا نمودند، اگر به اسلام ناب و انقلاب محرومین باز نگردند، ملت رشید آنها را دیر یا زود حذف خواهد نمود.

بسیج اساتید دانشگاه علم و صنعت ایران، ضمن تبریک سالروز این حماسه بزرگ، از عموم ملت غیور ایران و کلیه همکاران شریف دانشگاهی برای شرکت گسترده و همه جانبه در راهپیمایی این روز بزرگ و آینده‌ساز و اعلام براءت و تنفر از استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا و رژیم صهیونیستی، صمیمانه دعوت به عمل می‌آورد.

والسلام علی عبادالله الصالحین. بهمن ماه ۱۳۹۶

انقلاب‌های جهانی، نظیر انقلاب‌های کمونیستی، لیبرالیستی و ناسیونالیستی در چند قرن اخیر، غیر قابل انکار است. در حوزه نهضت‌های سده اخیر ایران نیز، انقلاب اسلامی تنها قیامی است که پیروز شد و با همان آرمان‌ها و شعارهای اساسی خود، با صلابت روزافزون ادامه پیدا کرد و به ۴۰ سالگی خویش نزدیک گردید. از سوی دیگر، در میان جنگ‌های سده‌های اخیر، فقط دفاع مقدس هشت ساله بود که با عزت تمام، بی‌آنکه یک وجب از خاک کشور در اشغال اجنبی بماند، به پایان رسید و موجبات شکوفایی استعدادهای نهفته کشور گردید. اینها تنها بخشی کوچک از دستاوردهای عظیم این انقلاب الهی بزرگ و تاریخ‌ساز است. انقلابی که می‌رود تا طومار ستمکاران و شیاطین را در هم پیچد و زمینه‌ساز ظهور آن یگانه منجی عالم بشریت، حضرت مهدی (عج) گردد.

ملت سرافراز ایران اسلامی:

اکنون شما امت شهیدپرور هستید که با حضور میلیونی خود در سالروز پیروزی انقلاب اسلامی، همانند همیشه نقشه‌های شوم شیاطین و بدخواهان‌تان را درهم خواهید شکست و آینده این انقلاب الهی را تضمین خواهید نمود. پیام قاطع شما به همه مسئولین آن است که، هویت انقلابی و تعهد اسلامی شما، تمام هویت و ارزش شماست. از آمریکا

و قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا ﴿سوره الاسراء- آیه ۸۱﴾ و بگو حق آمد و باطل نابود شد آری باطل همواره نابودشدنی است.

ملتی که عزم یاری خدا و رسولش را نمود و در این راه استقامت کرد، خداوند متعال هم وعده یاری و نصرت به ایشان داده است آنجا که فرمود: إِنْ أَلَدِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَ أَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ. (به یقین کسانی که گفتند: پروردگار ما خداوند یگانه است، سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند که نترسید و غمگین مباشید، و بشارت باد بر شما به آن بهشتی که به شما وعده داده شده است.)

وحدت، استقامت و رویکرد انقلابی این امت شهید پرور به همراه موهبت الهی رهبرانی بی‌بدیل همچون امام خمینی (ره) و خلف صالح او امام خامنه‌ای، معجزه قرن و انقلاب تاریخ‌ساز آن را در مقابل مستکبرین شرقی و غربی، به پیروزی رساند و همه دشمنی‌ها و فتنه‌ها را در هم شکست. امروز، جمهوری اسلامی با اقتداری مثال زدنی، راه اولیاء و انبیاء الهی را به سوی رهائی از دنیاپرستی و جاهلیت مدرن یعنی لیبرال-سرمایه‌پرستی غربی با افتخار می‌پیماید.

دستاوردهای عظیم انقلاب اسلامی ایران نسبت به قبل از انقلاب و نسبت به دستاوردهای سایر

برخی دستاوردهای انقلاب اسلامی

پزشکی

- جزو ۵ قدرت برتر تکواندو دنیا
- جزو ۴ کشور برتر دنیا در درمان نابروزی
- جزو ۵ قدرت برتر والیبال
- جزو ۱۰ کشور برتر سازنده داروهای بیماری خاص
- رتبه ۵ رتبه ۵ فوتسال دنیا
- جزو ۵ کشور برتر دنیا در علم ژنتیک و رویان
- رتبه ۴ رتبه ۴ فوتسال ساحلی دنیا
- جزو ۴ کشور اول جهان در ارتوپدی، عمل‌های زیبایی، پیوند اعضا.
- رتبه ۱ رتبه ۱ بستکتبال آسیا علیرغم حضور چین و ژاپن
- ساخت هزاران مرکز درمانی مجهز در شهر و روستا
- جزو ۱ رتبه ۱ بسترکتبال آسیا علیرغم حضور چین و ژاپن
- جزو ۱ رتبه ۱ بسترکتبال آسیا علیرغم حضور چین و ژاپن

دانشگاهی

- افزایش چند ده برابری تعداد دانشگاه‌ها و دانشجویان
- رتبه بالای دانشگاه‌های معروف ایران در دنیا
- ۷۵٪ جوانان ۲۰ تا ۳۵ ساله تحصیلات آکادمیک دارند.
- رتبه های اول تا پنجم مسابقات جهانی ربانیک

نظامی

- مقام اول تا سوم کشتی دنیا
- طی ۳ المپیک قویترین وزنه‌برداران دنیا ایرانی بوده‌اند.
- جزو ۸ کشور قدرتمند نظامی دنیا
- جزو ۷ کشور قدرتمند موشکی

ورزشی

. چند صد برابر شدن تعداد مساجد و حسینیه‌ها
. افزایش چند ده میلیونی جمعیت شیعیان جهان

سیاسی

. تشکیل گروه‌های به شدت طرفدار ایران و
هسته‌های مقاومت از شرق تا غرب عالم مثل: حزب
الله لبنان، جهاد اسلامی و حماس در فلسطین، الوفاق
بحرین، حوثی یمن، شیخ زکریا در نیجریه، سپاه
بدر عراق، فاطمیون افغانستان، زینبیون پاکستان،
مقاومت سوریه و....
. تبدیل شدن به بانفوذترین قدرت مردمی منطقه.

*** تمام این پیشرفت‌ها، در حالی بوده که ۸ سال
جنگیدیم، تحریم علمی و اقتصادی بودیم، فروش
نفتمون نسبت به زمان شاه از ۶ میلیون بشکه به
حداکثر ۲ میلیون بشکه رسیده، و جمعیت هم از ۳۰
میلیون به ۸۰ میلیون نفر رسیده و به همین نسبت
هزینه‌ها چند برابر شده است. ضمناً اینها با توجه به
میزان تلاش و عرضه دولت‌ها بوده و گرانه ظرفیت
جمهوری اسلامی بسیار بیش از اینهاست.

. احداث چند صد هزار هکتار گلخانه و مزرعه مکانیزه
. رتبه اول تولید حبوبات در آسیا
. رتبه بالا در تولید گل
. رتبه ۷ دنیا در تولید و رواج گیاهان دارویی و طب سنتی

رفاهی

. ساخت هزاران کیلومتر جاده کوهستانی، روستایی و
پوشش ۹۰٪ جاده ای کشور
. برق رسانی به بیش از ۹۵٪ مناطق کشور
. گاز رسانی به ۸۰٪ مناطق کشور
. پوشش ارتباط تلفنی و موبایلی در بیش از ۹۰٪
مناطق کشور
. پوشش اینترنت در بیش از ۸۰٪ کشور
. ساخت خطوط مترو در تهران و شهرهای بزرگ.

قرآنی-مذهبی

. تربیت هزاران حافظ کل قرآن
. مقام‌های اول قاریان ایرانی در مسابقات بین المللی.
. افزایش چند ده برابری تعداد طلاب و حوزه‌های
علمیه

علمی

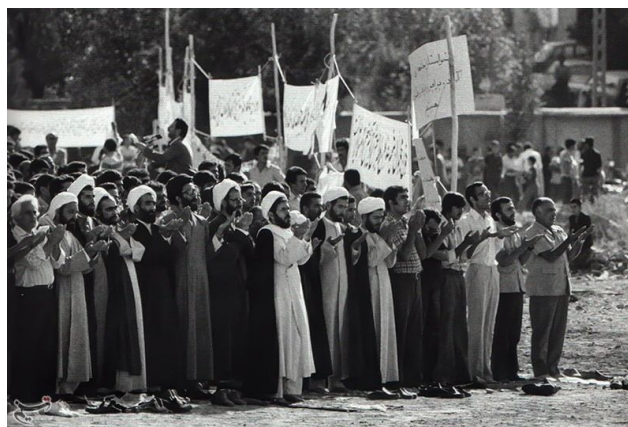
. رشد و شتاب اول علمی دنیا قبل از دولت روحانی
. مقام اول تولید علم و مقاله قبل از دولت روحانی
. جزو ۸ کشور دارنده دانش بومی هسته‌ای
. جزو ۵ کشور دارنده دانش پیل سوختی
. جزو ۷ کشور اول در نانو تکنولوژی
. جزو ۱۰ کشور سازنده ماهواره و فضاپیما
. جزو ۱۰ کشور سازنده گوشی تلفن هوشمند ۳
هسته‌ای با تکنولوژی بومی (GLX)
. جزو ۸ کشور برتر سازنده سدهای بتنی و خاکی و
تأسیسات نیروگاهی.

کشاورزی

. رتبه‌های اول تا هفتم جهان در تولید زعفران، پسته،
گردو، خرما، سیب، مرکبات، هلو، زغالو، خیار،
هندوانه
. خودکفایی در گندم



این قیامی که از ۱۵ خرداد شروع شد و
تاکنون باقی است - و امید است باقی باشد تا
همه اهداف اسلام جامه عمل بپوشد - قیامی
اسلامی است؛ قیامی ایمانی است؛ پیرو هیچ
قیامی نیست. همه می‌دانیم که ۱۵ خرداد مبدأ
عطفی بود در تاریخ؛ نه پیرو نهضت‌های
دیگر، قیام‌های دیگر. این شعار باید محفوظ
باشد که این قیام «قیام ملی» نیست، این قیام
«قیام قرآنی» است، **این قیام «قیام اسلامی»**
است. صحیفه امام؛ ج ۶؛ ص ۳۶۱ | قم؛ ۱۸
اسفند ۱۳۵۷



ولی امر مسلمین (حفظه الله):

آنها از متفکر نماها، نظریه پردازان قلابی،
روزنامه نگاران و قلم به مزدها، دلقک و همه
امکانات فضای مجازی استفاده می کنند تا بر
مردم تأثیر بگذارند اما ناگهان در برخی ایام الله
همچون ۲۲ بهمن و یا ۹ دی سال ۸۸ و یا ۹
دی امسال و راهپیمایی‌های خودجوش و
پرشور و پرهیجان بعد از آن، سیل جمعیت به
خیابانها می آیند و با سر دادن شعاری واحد،
همه محاسبات دشمنان را به هم می زنند.

حضرت فاطمه (س) از زبان ائمه اطهار (ع)

برگرفته از سایت hawzah.net

ارزش شناخت فاطمه علیها السلام

۱. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:
«... فمن عرف فاطمة حق معرفتها فقد ادرك ليلة القدر؛^(۱) هر کس به شناخت حقیقی فاطمه علیها السلام دست یابد، بی گمان شب قدر را درک کرده است.»

آثار محبت به فاطمه علیها السلام

۲. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند:
«من احب فاطمة ابنتی فهو فی الجنة معی ومن ابغضها فهو فی النار؛^(۲) هر کس فاطمه علیها السلام دخترتم را دوست بدارد، در بهشت با من است، و هر کس با او دشمنی ورزد، در آتش [دوزخ] است.»

اطاعت از فاطمه علیها السلام

۳. امام باقر علیه السلام می‌فرمایند:
«... ولقد كانت - علیها السلام - مفروضة الطاعة علی جميع من خلق الله من الجن والانس والطير والوحش والانبیاء والملائكة ...؛^(۳) اطاعت از فاطمه علیها السلام بر تمامی آفریدگان خدا از جن و آدمیان و پرندگان و وحوش و پیامبران و فرشتگان واجب است.»

دستورهای فاطمه علیها السلام

۴. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند:
«... یا علی انفذ لما امرتک به فاطمة فقد امرتها بأشیاء امر بها جبرئیل علیه السلام ...؛^(۴) ای علی! آنچه را فاطمه علیها السلام بدان امر می‌کند، انجام ده؛ زیرا من چیزهایی را به او امر کرده‌ام که جبرئیل علیه السلام به آنها امر کرده است.»

خلقت فاطمه علیها السلام

۵. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند:
«ان فاطمة خلقت حوریة فی صورة انسیة ...؛^(۵) بی شک فاطمه علیها السلام حوریه ای است که به صورت انسان آفریده شده است.»

چرایی نام فاطمه علیها السلام

۶. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند:

«انی سمیت ابنتی فاطمة لان الله عزوجل فطمها وفطم من احبها من النار؛^(۶) من نام دخترتم را فاطمه علیها السلام گذاشتم؛ زیرا خدای - عزوجل - فاطمه علیها السلام و هر کس که او را دوست دارد، از آتش دوزخ دور نگه داشته است.»



آثار نام فاطمه علیها السلام

۷. امام کاظم علیه السلام می‌فرمایند:
«لایدخل الفقر بیتا فیه اسم محمد او احمد او علی او الحسن او الحسین او جعفر او طالب او عبدالله او فاطمة من النساء؛^(۷) در خانه ای که نام محمد یا احمد یا علی یا حسن یا حسین یا جعفر یا طالب یا عبدالله و یا از میان زنان، فاطمه باشد، فقر [و تنگدستی] وارد نمی‌شود.»

احترام به نام فاطمه علیها السلام

۸. امام صادق علیه السلام به شخصی که نام دخترش را فاطمه گذاشته بود، فرمود:
«... اذا سميتها فاطمة فلا تسبها ولا تلعنها ولا تضربها؛^(۸) حالا که نام او را فاطمه گذاشته‌ای، پس دشنامش مده، نفرینش مکن و کتکش مزن.»

الگوی نمونه

۹. امام زمان علیه السلام در یکی از نامه‌هایشان می‌فرمایند:
«وفی ابنة رسول الله علیه و آله لی اسوة حسنة ...؛^(۹) در دختر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برای من الگوی نیکویی است.»

یاور خوب

۱۰. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از حضرت امیرالمؤمنین، علی علیه السلام درباره حضرت فاطمه زهرا علیها السلام پرسیدند، حضرت پاسخ دادند:

«نعم العون علی طاعة الله؛^(۱۰) [فاطمه علیها السلام] خوب یآوری در راه اطاعت و بندگی خداست.»

عزیزترین مردم

۱۱. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند:
«... فاطمة اعز البریة علی^(۱۱)؛ فاطمه علیها السلام عزیزترین مردم در نزد من است.»

نور چشم و میوه دل من

۱۲. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند:
«... ان فاطمة بضعة منی و هی نور عینی و ثمره فؤادی ...؛^(۱۲) فاطمه علیها السلام پاره تن و نور چشم و میوه دل من است.»

خشم و خشنودی فاطمه علیها السلام

۱۳. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند:
«ان الله لیغضب لغضب فاطمة ویرضی لرضاها؛^(۱۳) بی شک خداوند با خشم فاطمه علیها السلام به خشم می‌آید و با خشنودی او خشنود می‌شود.»

دشمن فاطمه علیها السلام در دوزخ است

۱۴. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند:
«... یا فاطمة! لو ان کل نبی بعثه الله وکل ملک قربه شفعوا فی کل مبغض لک غاصب لک ما اخرجنه الله من النار ابدا؛^(۱۴) ای فاطمه! اگر تمام پیامبرانی که خدا برانگیخته و تمام فرشتگانی که مقرب درگاه خود گردانده است، برای هر کینه‌توزی که حق تو را غصب نموده است، شفاعت کنند، هرگز خدا او را از آتش [دوزخ] خارج نمی‌سازد.»

همچنین حضرت (ص) فرموده‌اند: فاطمه بضعة منی فمن اغضبها فقد اغضبتنی فمن ابغضنی فقد ابغض الله. فاطمه پاره تن من است هرکس او را بیازارد مرا آزرده است و هرکس مرا بیازارد خدا را آزرده است.

اختر تابناک

۱۵. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:
«... فاطمة کوکب دری بین نساء اهل الدنيا ...؛^(۱۵) فاطمه علیها السلام اختری تابناک در میان زنان دنیا است.»

سرور زنان

۱۶. امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«... فاطمة سيدة نساء العالمين من الاولين والآخرين؛^(۱۶) فاطمة عليها السلام سرور زنان جهانیان از اولین تا آخرین است.»

تسبیحات حضرت زهرا عليها السلام

۱۷. امام باقر علیه السلام می فرمایند:

«ما عبد الله بشيء من التحميد افضل من تسبيح فاطمة عليها السلام...؛^(۱۷) خداوند در حمد و ستایش به چیزی برتر از تسبیح فاطمه عليها السلام عبادت نشده است.»

درود بر فاطمه عليها السلام

۱۸. امام رضا علیه السلام می فرمایند:

«اول من جعل له النعش فاطمة ابنة رسول الله، صلوات الله عليها وعلى ابائها وبعليها وبناتها؛^(۱۸) نخستین کسی که پس از مرگش برای او تابوت ساخته شد، فاطمه عليها السلام دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله بود؛ درود و صلوات خدا بر او و پدر و شوهر و فرزندان او باد.»

نفرین الهی برای دشمنان فاطمه عليها السلام

۱۹. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند:

«ملعون ملعون من يظلم بعدى فاطمة ابنتى ويغصبها حقها ويقتلها...؛^(۱۹) مورد نفرین است، مورد نفرین است هر کس پس از من به فاطمه عليها السلام دخترتم ستم کند و حقش را غصب نماید و او را بکشد.»

زیارت فاطمه عليها السلام

۲۰. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند:

«... من زار فاطمة فكانما زارنى...؛^(۲۰) هر کس فاطمه عليها السلام را زیارت کند، مانند این است که مرا زیارت کرده است.»

نماز مخصوص فاطمه عليها السلام

۲۱. امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«من صلى اربع ركعات فقرا فى كل ركعة بخمسين مرة «قل هو الله احد» كانت صلوة فاطمة عليها السلام...؛^(۲۱) هر کس چهار رکعت نماز بخواند [هر دو رکعت به یک سلام] و در هر رکعت [پس از سوره حمد] پنجاه مرتبه سوره «قل هو الله احد» را بخواند، این نماز، نماز فاطمه عليها السلام است.»



افتخار علی علیه السلام به فاطمه عليها السلام

۲۶. حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) می فرمایند:

«... انا زوج البتول سيدة نساء العالمين...؛^(۲۶) من همسر بتول عليها السلام هستم؛ همان کسی که سرور زنان جهانیان است.»

فاطمه عليها السلام زهره است

۲۷. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند:

«انا الشمس وعلى عليه السلام القمر وفاطمة الزهراء والفرقدان الحسن والحسين؛^(۲۷) من خورشیدم و علی علیه السلام ماه و فاطمه عليها السلام، زهره (ناهد) است و حسن و حسین علیهما السلام دو ستاره نور افشان فرقدان هستند.»

ایمان فاطمه عليها السلام

۲۸. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند:

«يا سلمان! ان ابنتي فاطمة ملا الله قلبها وجوارحها ايمانا ويقينا الى مشاهيها تفرغت لطاعة الله...؛^(۲۸) ای سلمان! به راستی که خداوند قلب و اعضای فاطمه عليها السلام را استخوانهایش را از ایمان و یقین آکنده ساخته است؛ به گونه ای که در طاعت خدا جدیت دارد.»

زیارت شهیدان

۲۹. امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«ان فاطمة عليها السلام كانت تاتي قبور الشهداء فى كل غداة سبت...؛^(۲۹) فاطمه عليها السلام در هر بامداد شنبه به مزار شهیدان می رفت.»

بوی خوش فاطمه عليها السلام

۳۰. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند:

«رائحة الانبياء رائحة السفرجل ورائحة الحور العين رائحة الآس ورائحة الملائكة رائحة الورد ورائحة ابنتي فاطمة الزهراء رائحة السفرجل والآس والورد...؛^(۳۰) بوی پیامبران بوی به و بوی حورالعین بوی آس و بوی فرشتگان بوی گل سرخ است، ولی بوی دخترتم فاطمه عليها السلام بوی به و آس و گل سرخ روی هم است.»

علی علیه السلام شایسته ترین انسان برای

فاطمه عليها السلام

۳۱. امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«... لولا ان امير المؤمنين عليه السلام تزوجها لما كان لها كفو الى يوم القيامة على وجه الارض آدم فمن دونه؛^(۳۱) به راستی اگر امیرالمؤمنین علیه السلام فاطمه عليها السلام را به ازدواج خود در نیاورده بود،

من از تو هستم

۲۲. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند:

«يا فاطمة... انت منى و انا منك...؛^(۲۲) ای فاطمه! تو از من هستی و من از تو هستم.»

پدرت به قربانت

۲۳. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند:

«... فداك ابوك يا فاطمة؛^(۲۳) پدرت به قربان تو باد ای فاطمه عليها السلام!»

بوی بهشت

۲۴. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند:

«... ففاطمة حوراء انسية وكلما اشتقت الى رائحة الجنة شملت رائحة ابنتي فاطمة عليها السلام؛^(۲۴) فاطمه عليها السلام حوریه ای است به صورت انسان که من هر گاه مشتاق بوی بهشت می شوم، دخترتم فاطمه عليها السلام را می بویم.»

فاطمه عليها السلام قلب محمد صلی الله علیه و

آله

۲۵. حضرت امیرالمؤمنین، علی علیه السلام می

فرمایند:

«... ان الحسن والحسين سبطا هذه الامة وهما من محمد كمكان العينين من الراس واما انا فكمكان اليد من البدن واما فاطمة فكمكان القلب من الجسد...؛^(۲۵) حسن و حسین علیهما السلام دو سبط این امت هستند، و آن دو برای محمد صلی الله علیه و آله همانند دو چشم برای سرند، و من [برای محمد صلی الله علیه و آله] همانند دست برای بدن هستم، و فاطمه عليها السلام [برای محمد صلی الله علیه و آله] همانند قلب برای بدن است.»

تا روز قیامت بر روی زمین از آدم تا پس از آدم برای فاطمه علیها السلام همتایی نبود.»

پیوند آسمانی

۳۲. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «ما زوجت فاطمة الا لما امرني الله بتزويجها» (۳۲) من فاطمه علیه السلام را به ازدواج در نیاوردم، مگر پس از آنکه خداوند مرا به ازدواج او فرمان داد.

انجام کارهای سخت خانه

۳۳. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام درباره حضرت فاطمه زهرا علیها السلام می فرماید: «انها استقت بالقربة حتى اثرفى صدرها وطحنت بالرحى حتى مجلت يدها وكسحت البيت حتى اغبرت ثيابها واوقدت النار تحت القدر حتى دكنت ثيابها فاصابها من ذلك ضرر شديد» (۳۳) حضرت فاطمه زهرا علیها السلام آن قدر با مشک، آب کشید که اثر آن در سینه اش آشکار شد و چندان با دست خود آسیاب کرد که دستهایش پینه زد و آن قدر خانه را جاروب کرد که لباسهایش خاک آلود گردید. و چندان آتش در زیر دیگ روشن کرد که لباسهایش سیاه و دود آلود شد و از این کارها رنج و سختی زیادی به او رسید.»

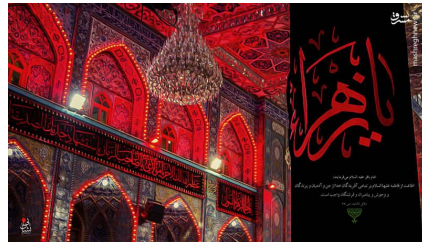
فاطمه (س) مطیع دائم علی علیه السلام

۳۴. حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) می فرماید: «فوالله ... لا اغضبتنی ولا عصت لی امرا ولقد كنت انظر اليها فتكشف عني الهموم والاحزان» (۳۴) سوگند به خدا که فاطمه علیها السلام هیچگاه مرا

خشمگین نکرد و در هیچ کاری از من سرپیچی ننمود. و من هرگاه به فاطمه علیها السلام نگاه می کردم، غم و اندوه از من زوده می شد.»

نور فاطمه علیها السلام از نور خداست

۳۵. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «... نور ابنتی فاطمة من نور الله وابنتی فاطمة افضل من السماوات والارض ...» (۳۵) نور دخترم فاطمه علیها السلام از نور خداست، و دخترم فاطمه علیها السلام برتر از آسمانها و زمین است.



فاطمه علیها السلام بر بالین آدمی

۳۶. امام باقر و امام صادق علیهما السلام می فرمایند: «حرام علی روح ان تفارق جسدها حتی تری الخمسة: محمدا وعليا وفاطمة وحسنا وحسينا بحيث تقر عينها او تسخن عينها ...» (۳۶) بر روح آدمی حرام است که از بدنش جدا شود، مگر آنکه پنج تن را ببیند: محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام، و آن هم به گونه ای است که یا چشم آدمی روشن و یا تاریک و محزون می شود.»

فاطمه علیها السلام شهیده است

۳۷. امام کاظم علیه السلام می فرماید:

«ان فاطمة علیها السلام صدیقة شهيدة ...» (۳۷) فاطمه علیها السلام بانوی بسیار راست گویی است که او را به شهادت رسانده اند.

اشتیاق بهشت به فاطمه علیها السلام

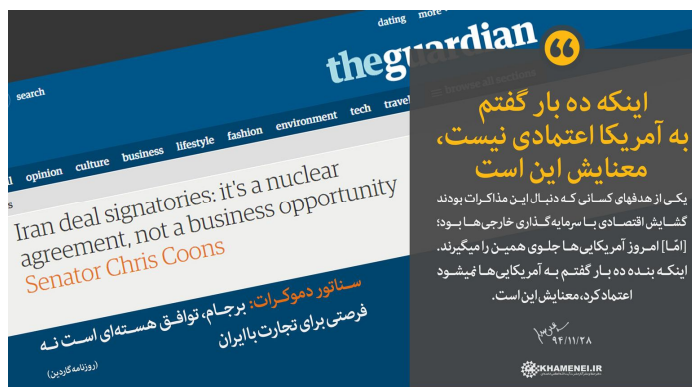
۳۸. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «اشتاق الجنة الى اربع من النساء: مريم بنت عمران، وآسية بنت مزاحم زوجة فرعون وخديجة بنت خويلد وفاطمة بنت محمد صلی الله علیه و آله» (۳۸) بهشت مشتاق چهار زن است: مریم دختر عمران، آسیه دختر مزاحم و زن فرعون، خدیجه دختر خویلد و فاطمه علیها السلام دختر محمد صلی الله علیه و آله.

فاطمه علیها السلام و خردسالان

۳۹. امام صادق علیه السلام می فرماید: «ان اطفال شیعتنا من المؤمنین تربیهم فاطمة علیها السلام» (۳۹) بی شک خردسالان شیعه ما از مؤمنان را فاطمه علیها السلام پرورش می دهد.

شفاعت فاطمه علیها السلام

۴۰. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «... یا فاطمة ابشری فلک عندالله مقام محمود تشفعین فیهم لمحبيک و شیعتك» (۴۰) ای فاطمه علیها السلام مژده باد! که در پیشگاه خدا مقامی شایسته داری که در آن مقام برای دوستان و شیعیانت شفاعت می کنی.



سرپل ذهاب

دوام و زوال نعمات الهی جوامع

محمد خلیج امیر حسینی - عضو هیئت علمی دانشکده مهندسی برق

۱- مقدمه

بعضی نعمات الهی جنبه فردی و بعضی دیگر جنبه اجتماعی دارند. نعمات اجتماعی از قبیل تسهیل مسیر هدایت الهی بواسطه رهبری الهی و حکومت دینی، آزادی از بند ظالمین، امنیت و آرامش، صحت و سلامت عمومی، منابع و استعدادهای انسانی و مادی، نزولات آسمانی و سرسبزی و پرآبی هستند. مسلمانان نعمات اجتماعی از اهمیت وافری برای زندگی دنیوی و اخروی آحاد یک جامعه دارند. آنچه که برای یک جامعه باید نگران کننده باشد، دوام و زوال نعمات اجتماعی است. جامعه باید تلاش کند تا نعماتش رو به زوال نباشند بلکه مستدام باشند. در یک کلام، موجبات دوام نعمات اجتماعی، "یادآوری" آنها و "اصلاح جامعه" و موجبات زوال نعمات "تبدیل" آنها و "تغییر خود" است. در اینجا مختصراً مروری بر این مفاهیم می‌کنیم.

۲- یادآوری و شکر نعمت

یکی از وظایف ما نسبت به نعمات الهی، یادآوری مستمر آنها و شکرگزاری است. شکرگزاری به معنای تشکر از صاحب نعمت و استفاده صحیح از آنها در مسیر اوامر و نواهی الهی است. البته خداوند نیازی به این یادآوری و شکرگزاری ندارد بلکه این ما هستیم که باید آن نعمات را برای خود یادآوری کنیم. یادآوری نعمات الهی موجب آن می‌شد تا اولاً شاکر خداوند برای اعطای آن نعمت باشیم، ثانیاً قدر آن نعمت را بدانیم و موجبات ازدیاد و نه نقصان آن را فراهم کنیم و ثالثاً موجب تربیت و کمال خود شویم. قرآن دستور به یادآوری و بیان همه نعمات داده است. **وَ أَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ** (الضحی/۱۱). البته نعمات اجتماعی بسیار مهمتر هستند چرا که آثار و برکات بزرگتری بر سرنوشت تک تک افراد جامعه دارند. یک نمونه از یادآوری نعمات اجتماعی، پیروزی در جنگ احزاب است آنجا که می‌فرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَكُمْ جُنُودُ فَارُسُلَنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَ جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا** ... (احزاب/۹)، ای کسانی که ایمان آورده‌اید نعمت خدا را بر خود به یاد آورید در آن هنگام که لشکریایی به سراغ شما آمدند؛ پس ما باد و طوفانی سخت و لشکریانی که آنها را نمی‌دیدید بر آنان فرستادیم. آزاد کردن قوم

بنی‌اسرائیل از چنگ ظلم و ستم فرعونیان نیز یک نمونه دیگر از یادآوری نعمات اجتماعی است. **وَ إِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ أَنْجَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ** ... (ابراهم/۶). البته یک راه برای نهادینه شدن یادآوری نعمات الهی بزرگ، گرامیداشت و شکرگذاری در روزهایی است که آن نعمات به ما اعطاء شده‌اند. **... وَ ذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ** ... (ابراهم/۵).

۳- تبدیل نعمت

از خطراتی که جوامع انسانی را تهدید می‌کند، تبدیل نعمات الهی است. تبدیل نعمت به این معنی است که از امکانات و فرصت‌های حاصله از آن نعمت، در مسیر و مقاصد غیر صحیح، انحرافی و گناه‌آلود استفاده گردد. تبدیل نعمت باعث زوال نعمت و عذاب الهی می‌گردد. این همان بلایی است که بر سر بنی‌اسرائیل بواسطه اعمال بدشان پس از بهره‌مندی از نعمات فراوان الهی آمد. **سَلِّ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَمْ آتَيْنَاهُمْ مِنْ آيَةٍ بَيِّنَةٍ وَ مَنْ يَبْدَلِ نِعْمَةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ** (بقره/۲۱۱)، از بنی اسرائیل بپرس چه اندازه نشانه‌های روشن به آنها دادیم و کسی که نعمت خدا را پس از آن که به سراغش آمد تبدیل کند، پس خداوند شدید العقاب است.

۴- تغییر خود

تبدیل نعمت توسط یک جامعه، عللی دارد که مهمترین آنها ایجاد تغییرات در درون افراد جامعه است. وقتی سستی و تنبلی جای سعی و تلاش، غفلت و بوالهوسی جای بصیرت و تقوی، شک و تردید جای عزم و اراده، محافظه‌کاری و عافیت‌طلبی جای شهادت و شجاعت، دنیاطلبی جای آخرت‌طلبی، نفاق و تفرقه جای اتحاد، اشرافی‌گری جای ساده‌زیستی، اعتماد به دشمن جای اعتماد به امدادهای الهی و توانمندی‌های افراد جامعه را بگیرد، کسی نباید انتظار دوام نعمات الهی را داشته باشد. این یک سنت الهی است که خداوند متعال وقتی به قومی نعمتی را بخاطر شایستگی‌ها و ظرفیت‌هایش ارزانی نمود، آن را پس نمی‌گیرد مگر آنکه مردم آن قوم خودشان را تغییر دهند و شرایط بهره‌مندی از آن نعمت را از دست دهند. **ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا**

نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (انفال/۵۳)، این، بخاطر آن است که خداوند، هیچ نعمتی را که به گروهی داده، تغییر نمی‌دهد؛ جز آنکه آنها خودشان را تغییر دهند؛ و خداوند، شنوا و داناست.

۵- مترفین و مصلحین

در یک جامعه دو گروه بر درون افراد جامعه و تبعاً بر سرنوشت کل جامعه اثرگذارند. گروه مترفین و گروه مصلحین.

گروه مترفین، یا همان متعلمان و ثروتمندان غافل و مغرور و به تعبیر حضرت امام خمینی (ره)، مرفهین بی‌درد هستند. معمولاً این گروه با تعلیمات الهی مقابله می‌کنند. **وَ مَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَقُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ** (سبأ/۳۴)، و ما در هیچ شهر و دیاری پیامبری بیم‌دهنده نفرستادیم مگر اینکه مترفین آنها گفتند ما به آنچه فرستاده شده‌ایم کافریم. همچنین معمولاً فساد و فسق و فجور از گروه مترفین شروع شده و در آحاد جامعه شیوع می‌یابد. وای به حال جامعه‌ای که خودشان با رای و نظر خود مترفین را بالا برده و حاکم بر سرنوشت و زندگی خود کنند. در اینصورت است که نعمات الهی زوال می‌یابند و موجبات هلاکت مادی و معنوی جامعه فراهم می‌گردد. **وَ إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَقِيهَا فَفَسَدُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاَهَا تَدْمِيرًا** (اسراء/۱۶)، و هنگامی که بخواهیم شهر و دیاری را هلاک کنیم، نخست اوامر خود را برای مترفین آنجا بیان می‌داریم، سپس هنگامی که به مخالفت برخاستند و استحقاق مجازات یافتند، آنها را به شدت درهم می‌کوبیم.

در مقابل مترفین جامعه، مصلحین جامعه قرار دارند. مصلحین، در مقابل فساد و ظلم و انحرافات ساکت نمی‌نشینند بلکه می‌ایستند و با خودگذشتگی و صبر و مجاهدت سعی در اصلاح امور جامعه می‌کنند. آنها با ابزاری همچون روشنگری، امر به معروف و نهی از منکر و البته اتکاء به خداوند متعال، شرایط سیر جامعه در مسیر صحیح رشد و تکامل الهی را فراهم و تسهیل می‌نمایند و اثرگذاری شیاطین و مترفین را کاهش می‌دهند. این سنت الهی است که علیرغم وجود کجروی در یک جامعه، اگر مصلحین جامعه

آفات تبدیل و تغییر و مترفین است. در اینجا به فرمایشی حکمت‌آمیز و قابل تامل از امیرالمومنین علی (ع) اشاره می‌کنیم. ایشان می‌فرمایند: **يَسْتَدَلُّ عَلَى ادِّبَارِ الدُّوَلِ بِأَرْبَعٍ: تَضْيِيعِ الْأَصُولِ وَ التَّمَسُّكِ بِالْفُرُوعِ وَ تَقْدِيمِ الْأَرَادِلِ وَ تَأْخِيرِ الْأَفَاضِلِ** (غرر الحکم، ص ۳۴۲). چهار چیز باعث شکست دولت‌ها می‌شود: ضایع کردن اصول (مسائل مهم)، سرگرم شدن به فروع (امور کم اهمیت)، به کار گماردن آدم‌های پست و کوچک و کنار گذاردن انسان‌های فاضل.

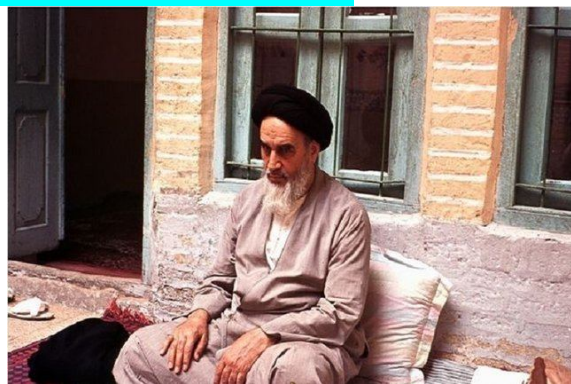
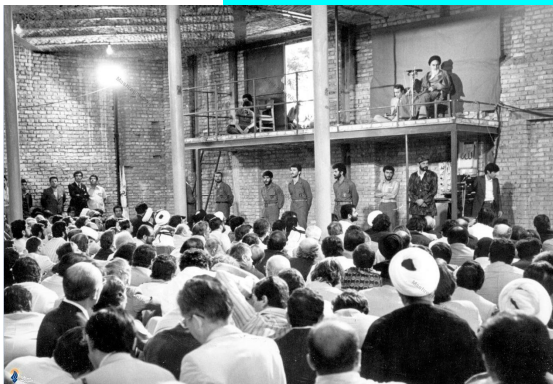
فاسد و دین‌ستیز ستمشاهی، استقرار حکومت مردم‌سالار دینی به رهبری ولی فقیه جامع‌الشرائط، استقلال و عدم وابستگی به استکبار جهانی، پیروزی در جنگ تحمیلی، شکست داعش، شکست آمریکا در طیس، پیشرفت‌های فراوان علمی و فناوری، اقتدار نظامی، ... باشیم. همه این نعمات در قالب نعمت نظام جمهوری اسلامی ایران قابل تعریف هستند. بی‌دلیل نیست که امام راحل (ره)، حفظ این نظام اسلامی را از اوجب واجبات دانسته و پشتیبانی از ولایت فقیه را طریقه این حفاظت بیان نموده‌اند. البته این نعمت بزرگ الهی هم طبق سنن الهی در معرض

فعال و موثر باشند، نعمات الهی مستدام بوده و آن جامعه هلاک نمی‌گردد. **وَ مَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ وَ أَهْلُهَا مُصِلِحُونَ** (هود/۱۱۷)، و چنین نبود که پروردگارت آبادیها را بظلم و ستم نابود کند در حالی که اهلیش در صدد اصلاح بوده باشند). خوشا به حال جامعه‌ای که خودشان با رای و نظر خود مصلحین را بالا برده و حاکم بر سرنوشت و زندگی خود کنند.

۶- نعمت جمهوری اسلامی

در اینجا جا دارد یادآور نعمات عظیم الهی برای مردم موحد ایران، از جمله آزاد شدن از چنگال حکومت

ساده‌زیستی مصلحین و اشرافی‌گری مترفین



سبک زندگی در کلام امیرالمومنین (ع) - بخش ۳

حجت الاسلام جواد غفاری - عضو هیئت علمی گروه معارف اسلامی

کنم، زیرا در آغاز زندگی قرار داری، تازه به روزگار روی آورده‌ای، نیتی سالم و روحی با صفا داری.

شرح و تفسیر:

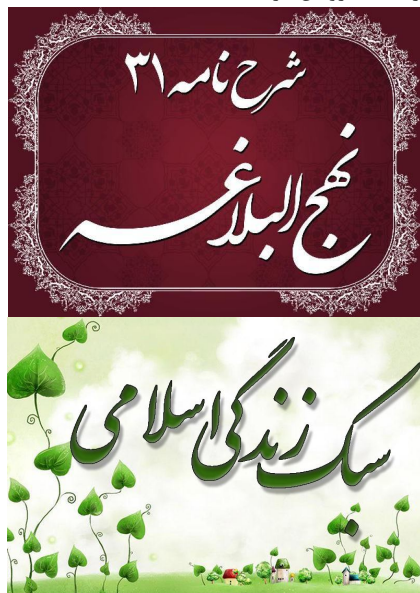
این عبارات گزارشی است که امیرالمومنین از انگیزه ها و ملاحظات خود در این وصیت نامه می‌دهد. در قدم اول بهترین زمان برای تعلیم و تادیب، زمانی است که گوینده از نظرفکری نیرومند است و می‌تواند پاسخ سؤالاتی را که از او می‌شود، بدهد و هنوز دچار سستی رای و بدن نشده است. در قدم دوم مخاطب هنوز جوان است و سلامت نیت دارد و پراکنده خاطرنشده است و می‌تواند کاملاً دل و ذهن خود را به گوینده بسپارد.

شکی نیست که از اصول مهم تعلیم و تربیت این است که معلم و استاد از پختگی فکری و تجربی برخوردار باشد و معلم در دوره جوانی باشد، که دارای تمرکز ذهن قوی و نشاط یادگیری و به یاد سپاری نیرومندی می‌باشد. همچنانکه در ابتدای امر تعلیم از طرح مسایل اختلافی پرهیز کند و از محکمتی سخن بگوید که مورد پذیرش عقل سلیم می‌باشد تا اینکه مخاطب جوان دچار سردرگمی نشود و در ذهن او مبانی و مبادی شکل بگیرد و پس از آن دیدگاه‌های مختلف و متفاوت بیان شود زیرا بهره جستن از اختلافات هم روش می‌خواهد و هم داور. فرد برای برگزیدن بهترین رای باید معیار و ضابطه و روش داشته باشد. فرد نوآموز در اثر شنیدن اختلافات عالم نمی‌شود بلکه ذهنش مغشوش و مخدوش خواهد شد.

طفل را گر نان دهی بر جای شیر
طفل مسکین را از آن نان مرده گیر
مرغ پر نارسته چون پیران شود
لقمه هر گریه در آن شود

امام (ع) با این بیان می‌خواهند این درس زندگی را به ما بدهند که یکی از مهم ترین اصول تربیت، انتقال به موقع و صحیح تجربیات و اندوخته های زندگی به دیگران می‌باشد زیرا برخی آموزه‌های اخلاقی و اجتماعی شرایط زمانی و مکانی خودش را می‌طلبد و چه بسا اگر در موقع خودش القا و بیان نشود تاثیر گذاری آن ضعیف می‌شود. در این فراز از نامه حضرت اصول اولیه لازم برای تعلیم و تربیت را اشاره دارند

پدید آید چنانکه در جسمم پدید آمد، و پیش از آن که خواهشها و دگرگونی‌های دنیا به تو هجوم آورند، و پذیرش و اطاعت مشکل گردد، زیرا قلب نوجوان چونان زمین کاشته نشده، آماده پذیرش هر بذری است که در آن پاشیده شود. پس در تربیت تو شتاب کردم، پیش از آن که دل تو سخت شود، و عقل تو به چیز دیگری مشغول گردد، تا به استقبال کارهایی بروی که صاحبان تجربه، زحمت آزمون آن را کشیده‌اند، و تو را از تلاش و یافتن بی‌نیاز ساخته‌اند، و آنچه از تجربیات آنها نصیب ما شد، به تو هم رسیده، و برخی از تجربیاتی که بر ما پنهان مانده بود برای شما روشن گردد.



پسرم! درست است که من به اندازه پیشینیان عمر نکرده‌ام، اما در کردار آنها نظر افکندم، و در اخبارشان اندیشیدم، و در آثارشان سیر کردم تا آنجا که گویا یکی از آنان شده‌ام، بلکه با مطالعه تاریخ آنان، گویا اول تا پایان عمرشان با آنان بوده‌ام، پس قسمت‌های روشن و شیرین زندگی آنان را از دوران تیرگی شناختم، و زندگانی سودمند آنان را با دوران زیانبارش شناسایی کردم، سپس از هر چیزی مهم و ارزشمند آن را، و از هر حادثه‌ای، زیبا و شیرین آن را برای تو برگزیدم، و ناشناخته‌های آنان را دور کردم، پس آنگونه که پدری مهربان نیکوکارها را برای فرزندش می‌پسندد، من نیز بر آن شدم تو را با خوبی‌ها تربیت

در این فراز از نامه حضرت (ع) بعد از معرفی اهل دنیا برای نجات از مهلکه های دنیا، به بیان تجربیاتی در مسیر تعلیم و تربیت انسان می‌پردازد، تا اسیر این نوع از دنیا پرستی نشود. هم سخنی با مربیان دارد و هم سخنی با تعلیم گیرندگان، در این راه پر پیچ و خم زندگی ما نیاز به راهکار هایی داریم که نلغزیم مخصوصا کسانی که در مسئولیت تعلیم و تربیت و کارهای فرهنگی جامعه هستند مناسب است به این رهنمودها توجه کنند.!!!

*ضرورت شناخت موقعیت تربیت و بیان تجربیات:

أَيُّ بَنَى إِيَّيْ لَمَّا رَأَيْتَنِي قَدْ بَلَغْتَ سِنًا وَ رَأَيْتَنِي أُرْدَا
وَهَذَا بَادَرْتُ بِوَصِيَّتِي إِلَيْكَ وَ أُرْدَتْ خِصَالًا مِنْهَا قَبْلَ
أَنْ يَعْجَلَ بِي أَجَلِي دُونَ أَنْ أَفْضِيَ إِلَيْكَ بِمَا فِي
نَفْسِي أَوْ أَنْ أَنْقُصَ فِي رَأْيِي كَمَا نَقِصْتُ فِي جَسْمِي أَوْ
يَسْبِقُنِي إِلَيْكَ بَعْضُ غَلَبَاتِ الْهَوَى وَ فِتَنِ الدُّنْيَا فَتَكُونَ
كَالصَّعْبِ النَّفُورِ وَ إِنَّمَا قَلْبُ الْخَدَثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا
الْقَى فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبْلَهُ قَبَادَرْتُكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ
يَسْأَلَ قَلْبُكَ وَ يَسْتَعِزَّ لَيْكَ لِيَسْتَقْبَلَ بِجِدِّ رَأْيِكَ مِنْ
الْأَمْرِ مَا قَدْ كَفَاكَ أَهْلُ التَّجَارِبِ بَغْيَتَهُ وَ تَجَرَّبَتَهُ
فَتَكُونَ قَدْ كَفَيْتَ مَثْوَنَةَ الطَّلَبِ وَ عَوْفِيَّتَ مِنْ عِلَاجِ
التَّجَرُّبَةِ فَاتَاكَ مِنْ ذَلِكَ مَا قَدْ كُنَّا نَأْتِيهِ وَ اسْتَبَانَ لَكَ
مَا رَبَّمَا أَظْلَمَ عَلَيْنَا مِنْهُ أَيُّ بَنَى إِيَّيْ وَ إِنْ لَمْ أَكُنْ
عُمَرْتُ عُمَرُ مَنْ كَانَ قَلْبِي فَقَدْ نَطَرْتُ فِي أَعْمَالِهِمْ وَ
فَكَّرْتُ فِي أَخْبَارِهِمْ وَ سِرْتُ فِي أَنَارِهِمْ حَتَّى عُدْتُ
كَأَحَدِهِمْ بَلْ كَأَنِّي بِمَا انْتَهَى إِلَيَّ مِنْ أُمُورِهِمْ قَدْ
عُمَرْتُ مَعَ أَوْلَاهِهِمْ إِلَى آخِرِهِمْ فَعَرَفْتُ صَفْوَ ذَلِكَ مِنْ
كَدَرِهِ وَ نَفَعَهُ مِنْ ضَرَرِهِ فَاسْتَخْلَصْتُ لَكَ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ
نَخِيلَةً وَ تَوَخَّيْتُ لَكَ جَمِيلَةً وَ صَرَفْتُ عَنْكَ مَجْهُولَةً وَ
رَأَيْتُ حَيْثُ غَنَانِي مِنْ أَمْرٍ مَا يَغْنِي الْوَالِدَ الشَّقِيقَ وَ
أَجْمَعْتُ عَلَيْهِ مِنْ أَدَبِكَ أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ وَ أَنْتَ مُقْبِلُ
الْعُمُرِ وَ مُقْتَبِلُ الدَّهْرِ دُونَ نِيَّةٍ سَلِيمَةٍ وَ نَفْسٍ صَافِيَةٍ.

ترجمه:

پسرم! هنگامی که دیدم سالیانی از من گذشت، و توانایی رو به کاستی رفت، به نوشتن وصیت برای تو شتاب کردم، و ارزش‌های اخلاقی را برای تو بر شمردم. پیش از آن که أجل فرا رسد، و رازهای درونم را به تو منتقل نکرده باشم، و در نظرم کاهشی

چنانکه دوران نوجوانی و جوانی را مناسبترین زمان برای تربیت می‌داند، زیرا روح و جان جوان بسان یک زمین خالی می‌ماند که در آن ساخت و سازی صورت نگرفته و قبل از آن که مجذوب کشش‌ها و جاذبه‌های مهلک و انحرافی شود باید به سراغ او رفت و مسایل و اصول یک زندگی سعادتمند را به او آموخت در طول تاریخ همیشه جاذبه‌ها و نیروهای انحرافی وجود داشته و دارد و البته این هم به جهت وجود گرایش و استعداد دوگانه در نفس انسان است که او را در مسیر حق و باطل قرار می‌دهد. (وَفَسْ وَ مَا سَوَّيْنَاهُ فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهُ (شمس/۷ و ۸). و قسم به نفس آدمی و آن کس که آن را (آفریده و) منظم ساخته، (۷) سپس فجور و تقوا (شر و خیرش) را به او الهام کرده است، (۸)

*مرجع قابل اعتماد و مستحکم برای تربیت:

وَأَنْتَذَرْتَكِ بَعْغِيْلِمِ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ تَأْوِيلِهِ وَ شَرَائِعِ الْإِسْلَامِ وَ أَحْكَامِهِ وَ حَلَالِهِ وَ حَرَامِهِ لَا أَجَاوُزُ ذَلِكَ بِكَ إِلَى غَيْرِهِ ثُمَّ أَشْفَقْتُ أَنْ يَلْتَبِسَ عَلَيْكَ مَا اخْتَلَفَ النَّاسُ فِيهِ مِنْ أَهْوَائِهِمْ وَ أَرَائِهِمْ مِثْلَ الَّذِي أَلْتَبَسَ عَلَيْهِمْ فَكَانَ إِحْكَامُ ذَلِكَ عَلَى مَا كَرِهْتُ مِنْ تَنْبِيهِكَ لَهُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ إِسْلَامِكَ إِلَيَّ أَمْرٌ لَا أَمْنُ عَلَيْكَ بِهِ الْهَلَكَةُ وَ رَجَوْتُ أَنْ يُؤَفِّقَكَ اللَّهُ فِيهِ لِرُشْدِكَ وَ أَنْ يَهْدِيكَ لِقَصْدِكَ فَهَدَيْتُ إِلَيْكَ وَصِيَّتِي هَذِهِ وَ اعْلَمْ يَا بَنِيَّ أَنَّ أَحَبَّ مَا أَنْتَ أَخِذٌ بِهِ إِلَيَّ مِنْ وَصِيَّتِي تَقْوَى اللَّهِ وَ الْإِفْتِصَارُ عَلَى مَا فَرَضَهُ اللَّهُ عَلَيْكَ وَ الْأَخْذُ بِمَا مَضَى عَلَيْهِ الْأَوَّلُونَ مِنْ آبَائِكَ وَ الصَّالِحُونَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ فَإِنَّهُمْ لَمْ يَدْعُوا أَنْ نَظُرُوا لِنَفْسِهِمْ كَمَا أَنْتَ نَاطِرٌ وَ فَكَّرُوا كَمَا أَنْتَ مُفَكِّرٌ ثُمَّ رَدَّ آخِرُ ذَلِكَ إِلَيَّ الْأَخْذُ بِمَا عَرَفُوا وَ الْإِسْتِصَابُ عَمَّا لَمْ يَكْلُفُوا فَإِنْ أَبَتْ نَفْسُكَ أَنْ تَقْبَلَ ذَلِكَ دُونَ أَنْ تَعْلَمَ كَمَا عُلِّمُوا فَلْيَكُنْ طَلِبَكَ ذَلِكَ بِنَفْسِهِمْ وَ تَعْلَمْ لَا يَتَوَرَّطُ الشُّبُهَاتِ وَ عُلُقِ الْخُصُومَاتِ وَ ابْدَأْ قَبْلَ نَظَرِكَ فِي ذَلِكَ بِالِاسْتِغْنَاءِ بِإِلَهِكَ وَ الرَّغْبَةِ إِلَيْهِ فِي تَوْفِيقِكَ وَ تَرْكِ كُلِّ شَائِبَةٍ أَوْلَجْتَكَ فِي شُبُهَةٍ أَوْ أَسْلَمْتَكَ إِلَى ضَلَالَةٍ فَإِنْ أَيقَنْتَ أَنْ قَدْ صَفَا قَلْبُكَ فَخَشَعْ وَ تَمَّ رَأْيَكَ فَاجْتَمِعْ وَ كَانَ هَمُّكَ فِي ذَلِكَ هَمًّا وَاحِدًا فَانْظُرْ فِيمَا فَسَّرْتَ لَكَ وَ إِنْ لَمْ يَجْتَمِعْ لَكَ مَا تَحِبُّ مِنْ نَفْسِكَ وَ فَرَاغَ نَظَرِكَ وَ فَكَّرِكَ فَاعْلَمْ أَنَّكَ إِنَّمَا تَخْطُبُ الْعَشَوَاءَ وَ تَتَوَرَّطُ الظُّلُمَاءَ وَ لَيْسَ طَالِبُ الدِّينِ مَنْ خَبَطَ أَوْ خَلَطَ وَ الْإِسْكَافُ عَنْ ذَلِكَ أَمْتَلُ.

ترجمه:

پس در آغاز تربیت، تصمیم گرفتیم تا کتاب خدای توانا و بزرگ را همراه با تفسیر آیات، به تو بیاموزم، و

شریعت اسلام و احکام آن از حلال و حرام، به تو تعلیم دهم و به چیز دیگری نپردازم. اما از آن ترسیدم که مبدا رأی و هوایی که مردم را دچار اختلاف کرد، و کار را بر آنان شبهه ناک ساخت، به تو نیز هجوم آورد، گر چه آگاه کردن تو را نسبت به این امور خوش نداشتیم، اما آگاه شدن و استوار ماندن را ترجیح دادم، تا تسلیم هلاکت‌های اجتماعی نگردی، و امیدوارم خداوند تو را در رستگاری پیروز گرداند، و به راه راست هدایت فرماید، بنا بر این وصیت خود را اینگونه تنظیم کرده‌ام. پسر! بدان آنچه بیشتر از به کار گیری وصیتم دوست دارم ترس از خدا، و انجام واجبات، و پیمودن راهی است که پدران، و صالحان خاندانت پیموده‌اند. زیرا آنان آنگونه که تو در امور خویشتن نظر می‌کنی در امور خویش نظر داشتند و همانگونه که تو در باره خویشتن می‌اندیشی، نسبت به خودشان می‌اندیشیدند، و تلاش آنان در این بود که آنچه را شناختند انتخاب کنند، و بر آنچه تکلیف ندارند روی گردانند، و اگر نفس تو از پذیرفتن سرباز زند و خواهد چنانکه آنان دانستند بداند، پس تلاش کن تا درخواست‌های تو از روی درک و آگاهی باشد، نه آن که به شبهات روی آوری و از دشمنی‌ها کمک گیری. و قبل از پیمودن راه پاکان، از خداوند یاری بجوی، و در راه او با اشتیاق عمل کن تا پیروز شوی، و از هر کاری که تو را به شک و تردید اندازد، یا تسلیم گمراهی کند بپرهیز. و چون یقین کردی دلت روشن و فروتن شد، و اندیشه‌ات گرد آمد و کامل گردید، و اراده‌ات به یک چیز متمرکز گشت، پس اندیشه کن در آنچه که برای تو تفسیر می‌کنم، اگر در این راه آنچه را دوست می‌داری فراهم نشد، و آسودگی فکر و اندیشه نیافتی، بدان که راهی را که ایمن نیستی می‌پیمایی، و در تاریکی ره می‌سپاری، زیرا طالب دین نه اشتباه می‌کند، و نه در تردید و سرگردانی است، که در چنین حالتی خود داری بهتر است.

شرح و تفسیر:

پس آنگاه حضرت در ادامه سخنانش اشاره دارد به اینکه تمسک به سنت استوار صالحان گذشته، در آغاز راه تکیه‌گاه محکمی است و لازم نیست انسان همه چیز را خودش تجربه کند و بی‌آزماید و خودش را در معرکه آراء بیندازد و از تجربه و اندیشه و سنت پیشینیان بی‌نیازی کاذبی داشته باشد. خاندان وحی و نبوت بهترین هدایت‌کننده‌هایی هستند که می‌شود به آنها تکیه کرد و به مدد آنها گامهای نخستین را برداشت. اگر سراغ شبهات و اقوال پراکنده

رفتی آنها تو را به انحراف می‌کشاند و راه به جایی نخواهی برد فهم عمیق و تعلیم دقیق نجات بخش است.

البته جای این بحث و سؤال باقی است که در میان ادیان و مکاتب گوناگون و متناقض راه درست کدام است؟ عمرانسان برای بررسی تمام این افکار و اندیشه‌ها کفایت نمی‌کند و اگر هم موفق بشوی در یک مقطع زمانی اکثر اندیشه‌ها را واکاوی کنیم نسل آینده ممکن است اندیشه‌های جدیدی را بیاورند که درست‌تر باشد این یک نگاه کاملاً منطقی به رشد و تحول اندیشه‌ها و تفکر بشری است و مغایر تقلید کورکورانه و تعصب جاهلانه است هم چنانکه دلبستگی‌ها و تقلیدها و عادات چنان حجاب ستبری بر حقیقت می‌افکنند که دیدنش را دشوار بلکه گاهی ناممکن می‌سازند و اینکه از صفر هم شروع کنی تفکر غلطی است. پس تجربه گذشتگان چه ارزشی دارد؟ در این حالت مطالعه تاریخ و سرنوشت دیگران چگونه معنی پیدا می‌کند؟ آیا همه اینها یک نوع قصه پردازی و داستان سرایی است و یا افسانه است؟ یعنی آنچه تا کنون بر سر بشر آمده همه بیهوده است و ما بی‌تفاوت باید از کنار آنها عبور کنیم؟! به طور مسلم عقل سلیم چنان قضاوتی ندارد و چنین حکمی نمی‌دهد. پس بنا بر این دلیلی برای نادیده گرفتن تجربه دیگران نداریم. همچنین که در همین نامه امام(ع) می‌فرماید: **العقل حفظ التجارب** توجه به اندوخته‌های تجربی خود و دیگران تعقل و خردورزی است.

امام(ع) در این فراز از نامه به سؤال دیگری هم پاسخ می‌دهد. اگر سؤال شود، تجربه و سنت چه کسانی باید مورد توجه و اتکا قرار گیرد؟ زیرا در تاریخ اندیشه‌ها و سخنان متفاوت و مختلفی بوده است کدام اندیشه مرجع مطمئنی می‌تواند باشد؟ امام(ع) در پاسخ می‌فرماید: به تجربیات و سنت صالحان و پاکان باید مراجعه کرد. امانت، صداقت، پاکی و نجابت پیامبران بود که موجب جذب مردم به آنها می‌شد. اکثریت مردم به دلیل سابقه و گذشته نیک پیامبر(ص) بود که به او ایمان آوردند. معجزه پیامبران برای سرکوب دشمنان بود و مهمترین وجه جذب مردم خلق و خوی و رفتار انسانی و خوش سابقه بودن آنها می‌باشد. این ویژگی تمام رهبران محبوب دنیاست. خلاصه کلام اینکه در زندگی از صفر نباید شروع کرد بلکه تجربه انسان‌های صالح و خوب را باید نقطه شروع و سرمشق قرار داد و در طول مسیر زندگی مسایل و مشکلات را با آزمون و سعی و خطا باید حل کرد. (ادامه دارد).

مؤسسات مالی غیرمجاز!؟

محمد سلیمانی - عضو هیئت علمی دانشکده مهندسی برق

مدتهاست نام مؤسسات مالی بر سر زبان‌ها افتاده است. در یکی دو ساله اخیر اکثر هفته‌ها مالباختگان بعضی از این مؤسسات تجمع و دادخواهی می‌کردند. دولت نام آن‌ها را مؤسسات غیرمجاز گذاشت و آن‌ها را به قوه قضاییه حواله داد. ولی این‌گونه برخوردها مورد پسند و تأیید مردم واقع نشد. مردم با ذکر مثال‌هایی این شانه خالی کردن دولت و بانک مرکزی از تعهدات خود را پاسخ می‌دادند. چند نکته در این ارتباط ارائه می‌کنم:

۱. مردم شاهدند که اگر مثلاً کسی ساخت و ساز غیر مجازی انجام دهد، طولی نمی‌کشد که سر و کله عوامل متعدد شهرداری تا دولت، حاضر می‌شوند و بناهای ساخته شده را بدون رحم و مروتی تخریب می‌کنند و آشکارا همه بافته‌ها و ساخته‌های غیرمجاز فرد را سرنگون می‌کنند و سرمایه‌گذاری وی را دود هوا می‌کنند.

۲. مردم شاهدند که اگر یک خودرو بدون شماره را در خیابان راه بیفتد، طولی نمی‌کشد که متوقف می‌گردد و خودرو حتی مصادره می‌شود و فریاد و فغان صاحب خودرو راه به جایی نخواهد برد.

۳. مردم دیده‌اند که اگر کسی دکه‌ای، مغازه‌ای، یا فروشگاه‌ای بدون مجوز بر پا کند، در زمانی کوتاه جلوی آن پارچه‌ای آویخته می‌شود مبنی بر این‌که این محل به دلیل عدم جواز تعطیل گردید.

۴. مردم دیده‌اند که اگر کسی افرادی را به خدمت بگیرد و آن‌ها را بیمه نکند، دمار از روزگار آن فرد در آورده می‌شود.

۵. مردم بارها مشاهده کرده‌اند که اگر فردی شرکتی راه بیندازد و آن را ثبت نکرده باشد و سالانه مالیات و بیمه ندهد، دولت پوست آن‌ها را می‌کند، و آن‌قدر برایشان جریمه و شکایت می‌نویسد که تا مدت‌ها گرفتار رفت و آمد و حضور در راهروی دادگاه و سازمان مالیاتی و سازمان تأمین اجتماعی شوند.

۶. مردم همواره شاهد برچیده شدن بساط دست فروشان لب خیابان به دلیل نداشتن مجوز بوده‌اند.

۷. و

حال طبق آمار دولت، حدود ۶ هزار مؤسسه مالی و اعتباری ایجاد شده است که عمده‌تاً غیر مجاز

بوده‌اند. مردم نزد خود سؤال می‌کنند، این مؤسسات که:

۱. طول عمرشان چند ساله است؛

۲. دفتر و دستک و آدرس و حساب‌های بانکی و تابلو و غیره داشته‌اند؛

۳. کارمندان متعدد، مدیر عامل، هیأت مدیره، نشست سالانه و غیره داشتند و در روزنامه‌های رسمی هم اعلام و دعوت می‌کردند؛

۴. خرید و فروش و بساز و بفروش و تجارت راه انداخته بودند؛

۵. سود روز شمار و ثابت و متغیر و غیره می‌دادند؛

۶. صاحب املاک غیرمنقول و اموال منقول فراوان بودند؛

۷. و ...

پس چه شد که یک شبه غیر مجاز شدند؟ مردم سؤال می‌کنند:

۱. آیا مسؤولان مربوطه و ناظر و متولی این امور به وظایف خود عمل نکردند یا در خواب بودند یا پشت پرده داشته است، یا زد و بندی در کار بوده است، یا ...

۲. آیا این مؤسسات مالیات و بیمه هم پرداخت نمی‌کرده‌اند؟

۳. آیا بانک مرکزی از وجود چند هزار مؤسسه مالی با فعالیت در سطح ملی بی‌خبر بوده است؟

۴. آیا نظام بانکی ایران اینقدر یله و رهاست که هیچ‌کس به هیچ‌کس است؟

۵. آیا دولت در این مدت چند ساله صدای مظلومانه و دادخواهانه جمعیت چند میلیونی این مردم را نشنیده است؟

۶. آیا اقتصاد مالی ایران در سطح ملی و محلی جولانگاه هرکس و هر ناکسی شده است؟

۷. و ...

واقعیت و حقیقت هر چه باشد، می‌توان موضوع را تحلیل کرد و به نتایجی رسید که متأسفانه تلخ و درد آور است:

احتمالاً مؤسسه‌های این مؤسسات اگر غیر مجاز بوده‌اند قصد اختلال در اقتصاد ملی را داشته‌اند، چون:

۱. عمده مؤسسه‌های این‌گونه مؤسسات از حامیان پر و پا قرص دولت فعلی بوده و هستند و سکوت دولت در مقابل آن‌ها و عدم تحرک برای گرفتن حق مردم نشان می‌دهد که عمد یا اهمالی در کار بوده است.

۲. عمده مؤسسه‌های این‌گونه مؤسسات دارای گرایش اقتصادی کارگزارانی بوده‌اند و همان شیوه و راهی را در پیش گرفته‌اند که آن‌ها را صاحب ثروت‌های باد آورده کرده است.

۳. باید بررسی شود که آیا مؤسسه‌های صاحبان سهم‌های عمده در این مؤسسات، خود هم طلبکار این مؤسسات هستند یا خیر. شواهد امر نشان می‌دهد که صاحبان سهام عمده در این مؤسسات در ابتدای بروز مشکلات پول و سهم خود را با رانت و اعمال قدرت برداشته‌اند، چون صاحب امضا بوده‌اند و لاشه و جنازه بی‌پول مؤسسه را برای مردم بدون رابطه و قدرت و مردم معمولی رها کرده‌اند. احتمالاً این کار با شیوه‌های زیرکانه انجام شده است. مثلاً بعضی از املاک خوب که گوشت لخت تلقی می‌شده‌اند به افراد خاصی رسیده و برای آن استدلال هم درست شده است.

۴. باید بررسی شود که چگونه این مؤسسات افزایش سرمایه داده‌اند. به نظر می‌رسد افزایش سرمایه‌ها صوری و فقط روی کاغذ بوده است تا بتوانند سود و پاداش کلان به مسؤولان و هیأت مدیره و عوامل مؤسسه بدهند. اگر چنین باشد چنین افرادی که سود و پاداش کلان گرفته‌اند ضامن هستند.

۵. باید املاک و دارایی‌های این افراد و وابستگان درجه یک آن‌ها در خارج از کشور نیز مشخص گردد. چون احتمالاً مقداری از اموال قبل یا بعد به خارج منتقل شده است.

۶. باید بررسی شود چه تعداد از مسؤولان این مؤسسات، دو تابعیتی و گرین کارتی هستند و چه تعدادی از خانواده درجه اول آن‌ها در خارج از کشور سکونت دارند.

۷. و ...

و اما با توجه به مطالب بالا به نظر می‌رسد دولت به دلیل حضور حامیان دولت در هیأت مدیره این‌گونه مؤسسات، با آن‌ها مماشات کرده و آن‌ها هم نهایت بهره‌برداری شخصی را کرده‌اند.

تفاوت ترور و جهاد

مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات

تهیه و تنظیم: حجت‌الاسلام دکتر حمید کریمی - عضو هیئت علمی گروه معارف اسلامی

شبهه

تروریسم و جهاد از انگیزه‌ها و اهداف مشابهی برخوردارند! و تفاوتی با هم ندارند!

نقد

واژه ترور، واژه‌ای فرانسوی و به معنای قتل سیاسی با اسلحه است و تروریست کسی است که طرفدار خشونت عمل و ایجاد رعب و ترس است، چه عامل آن هم باشد و چه نباشد. (دهخدا، علی اکبر، لغت نامه). در زبان عربی برای این مفهوم از واژه ارباب، به معنای ترور و اربابی، به معنای تروریست، استفاده می‌شود.

تفاوت‌های ترور و جهاد

۱. ترور، عملی است که به منظور اهداف غیرانسانی و در جهت افساد و متضمن به خطر افکندن امنیت و ایجاد زمینه تعرض و محدودیت در مورد حقوق مشروع بشری و موجب سلب آرامش شود... بنابراین، مهم‌ترین عنصر در تعریف ارباب (تروریسم)، همانا سلب امنیت است که آن را تا حد بزرگ‌ترین جنایات علیه بشریت، خطرناک می‌سازد. (عمید زنجانی، فقه سیاسی، ج ۳، ص ۴۲۶). در حالی که جهاد اسلامی، درست بر خلاف چنین هدفی انجام می‌گیرد و به منظور ایجاد امنیت یا بازگرداندن امنیت از دست رفته است.

۲. ترور، گونه‌ای از توسل به زور و اقدامات خشونت‌آمیز است که غیر قانونی و غیر مجاز است و به همین جهت مخفیانه انجام می‌گیرد، در حالی که جهاد، امری مشروع و مجاز و برای دفاع از حقوق طبیعی انسان است و آشکارا و با در نظر گرفتن هنجارهای اخلاقی و حقوق بین الملل صورت می‌پذیرد.

۳. ترور، اقدامی غیرانسانی است و از نگاه وجدان بشری و مراجع حقوقی، محکوم است، در حالی که جهاد، در زمره اقدامات انسانی و مورد تأیید دین و قانون است.

۴. در احکام جزایی اسلام، اقدامات تروریستی، مصداق محاربه و افساد فی الارض است و عاملان آن،

محارب و مفسد فی الارض معرفی شده‌اند. حکم اسلام درباره تروریست و مفسد فی الارض اعدام به شیوه خاصی است، که در کتب مفصل فقهی بیان شده است. از این عناوین و احکام مترتب بر آن‌ها، در باب حدود بحث می‌شود و احکام آن، برگرفته از آیات ۳۳ و ۳۴ مائده است. امام خمینی در تحریر الوسیله، محاربه را چنین تعریف می‌کند: محارب، هر آن کسی است که شمشیرش را برهنه کند یا آن را تجهیز نماید، تا مردم را بترساند و می‌خواهد در زمین افساد نماید؛ در خشکی باشد یا در دریا، شهر باشد یا غیر آن، شب باشد یا روز. اما در مقابل، جهاد برای اصلاح در زمین و قلع و قمع ریشه فساد و افساد تشریع شده است.

الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَّهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ ﴿٥٠﴾



۵. اقدامات تروریستی، از طرف هر فرد یا گروه یا سازمان که صورت پذیرد و جان، مال و آبروی مردم و افراد بی‌گناه را مورد حمله قرار دهد، از نظر اسلام محکوم است. در نظام اخلاقی و فقهی اسلام، رعایت اخلاق و حقوق انسانی، در همه شرایط لازم است. حتی در هنگام دفاع مشروع، کشتن افراد بی‌گناه، تعقیب فراریان، کشتن اسیران، زنان و کودکان، تخریب درختان، تعرض به نوامیس مردم و غارت اموال آن‌ها و پرده‌داری و غیره، ممنوع است. در حالی که در اقدامات تروریستی، همه این هنجارها و حدود نادیده گرفته می‌شود.

امام صادق (ع) می‌فرماید: پیامبر ص هر گاه می‌خواست سپاهی را به جنگ اعزام کند، به آن‌ها می‌فرمود: نیرنگ نکنید، حقه نکنید، مثله نکنید،

سال‌خوردگان و کودکان و زنان را نکشید، درختی را نبرید، مگر مجبور شوید و نیز استفاده از سم (سلاح شیمیایی)، در سرزمین مشرکان را نهی می‌کرد. (کلینی، فروع کافی، ج ۵، ص ۲۷).

کنوانسیون سازمان کنفرانس اسلامی در مقابله با تروریسم بین المللی، اعلام داشته است: تروریسم، هر گونه عمل خشونت‌آمیز یا تهدیدکننده‌ای است که صرف‌نظر از مقاصد یا انگیزه مرتکبین آن، به منظور اجرای یک طرح جنایت‌کارانه فردی یا گروهی و با هدف ایجاد رعب بین مردم یا تهدید آنان، به وارد آمدن صدمه به آنان و به انداختن خطر زندگی، حیثیت، آزادی، امنیت یا حقوق آنان یا تهدید به صدمه زدن به محیط زیست یا هرگونه تهدیدات به اموال عمومی و خصوصی، به منظور به مخاطره انداختن یا اشغال یا تصرف آن‌ها و به خطرانداختن یکی از منابع ملی یا تأسیسات بین المللی یا تهدید کردن ثبات و تمامیت ارضی و وحدت سیاسی یا حاکمیت کشورهای مستقل انجام گیرد. (هاشمی، کامران، حقوق اسلامی در تقابل تروریسم بین الملل، راهبرد شماره ۲۱، ص ۱۳۸)

از تعریف تروریسم، در منشور کنوانسیون کشورهای اسلامی، به دست می‌آید که مصادیق تروریسم، عبارتند از: سوءقصد، تهدید جان افراد بی‌گناه و تهدیدهای دیگر، ایجاد رعب، آدم‌ربایی، گروگان‌گیری، رفتار خشونت بار توأم با ایجاد ترس، اقدام مسلحانه‌ای که امکان آسیب رساندن به غیرنظامیان یا افراد بی‌گناه در آن وجود داشته باشد، تعدی به جان و مال و حیثیت مأمورین دیپلماتیک، ایجاد ناامنی و اخلاق در نظم و امنیت و آسایش عمومی، و مساعدت مالی و سایر امکانات به تروریست‌ها، تخریب یا تهدید به تخریب اموال شخصی و عمومی و محیط زیست. (همان، ص ۱۴۰)

دین مقدس اسلام اجازه نمی‌دهد که یک فرد مسلمان یا یک تبعه کشورهای اسلامی، گرچه مسلمان نباشد، دست به اقدامات تروریستی بزند، چه بر ضد یک فرد یا یک جامعه غیرمسلمان، در داخل قلمرو حاکمیت اسلامی یا خارج از آن و با اهداف سیاسی، نظامی و غیره باشد.



اخبار



حماسه مردم در راهپیمایی تماشایی ۲۲ بهمن

ملت ایران باز هم خوش درخشید و به وظیفه خود عمل نمود. اینک نوبت مسئولین است تا به وظیفه خود عمل کنند و فقط حرف نزنند و باید باید نکنند.

سفر زمستانی؟

این بار بنا به مصالحی کوتاه بود اما در حدی بود که الزامات اداره مهاجرت آمریکا برآورده شود.

مدیران دوتابعیتی

اخیرا موضوع مدیران دوتابعیتی در پی جاسوسی و یا دستبرد به بیت‌المال و فرار به خارج کشور بعضی از آنها، جدی شده است. حتی در مجلس صحبت ارائه یک طرح برای برکناری و تنبیه مدیران دوتابعیتی یا آنها که دارای گرین کارت هستند، شده است. به نظر می‌رسد اگر این موضوع به سرانجام خوبی برسد، شاهد تغییراتی در دانشگاه باشیم.

پژوهش، اولویتی پس از هیرمند

در پاسخ به اعتراض اساتید که چرا گرنت امسال منعقد نمی‌شود، گفته‌اند موکول به سال بعد شده است چون فعلا پول نداریم. قابل توجه آنکه کل مبلغ گرنت یک سال حدود سه میلیارد تومان است. حال آنکه فقط در یک نوبت، شش میلیارد تومان از پول دانشگاه به شرکت رفقایشان (هیرمند) داده شده است. چگونه است که برای شرکت هیرمند حاضرند فقط در یک نوبت شش میلیارد تومان بدهند ولی برای پژوهش اساتید و دانشجویان سه میلیارد تومان ندارند!! بی‌جهت نیست که سال به سال رتبه جهانی دانشگاهمان سقوط می‌کند.

به داد دارائی‌های دانشگاه برسید

باعثان ورشکستگی شرکت غیرقانونی "چند منظوره" اقدام به تاسیس شرکتی با نام "هیرمند" نموده‌اند. در واقع، شرکت هیرمند که در دست همان عوامل ورشکستگی شرکت چند منظوره است، همان راهی را می‌رود که منجر به ورشکستگی شرکت چند منظوره شد. انجام کارهایی نظیر دلالی و خرید و فروش تالار!

تحت فشار قرار داده است تا در عوض مطالبات خود، برگه‌های سهام آن را دریافت کنند. اینکه روابط عمومی دانشگاه را وارد موضوعات اقتصادی آن هم در حمایت از چنین شرکتی نموده‌اند، جای بسی تعجب است. البته این چندمین بار است که از جایگاه روابط عمومی سوء استفاده می‌شود. تبلیغ جلسات سیاسی جریان موسوم به صنفی از آن جمله‌اند. همان جریان سیاسی که پشت عنوان صنفی پنهان می‌شود و اینک که مشکلات صنفی متعددی برای اساتید، توسط خود و دوستانشان در شرکت چند منظوره و نیز توسط رئیس دانشگاه بواسطه بذل و بخشش پول دانشگاه به آنها ایجاد شده است، ساکت و بی‌صدا است.

بیانیه حاوی مطالب کذب

اخیرا ریاست دانشگاه بیانیه‌ای را از طریق روابط عمومی دانشگاه منتشر نمود. در این بیانیه، به موضوع عدم بکارگیری آقای دکتر سعیدرضا مساح پرداخته شده است. ایشان که هم‌گروه رئیس دانشگاه است، دو سال پیش در چنین روزهایی بطور ظالمانه و طی یک نقشه از پیش طراحی شده اخراج شدند. با کمال تأسف، این بیانیه دارای مطالب کذب می‌باشد:

۱- ادعا شده است که اخراج ایشان طی مراحل قانونی بوده است. اولاً پرونده ایشان را پس از فوت مرحوم دکتر عباس‌نیا عمداً مسکوت نگاه داشتند تا پنج سال تمام شود. ثانیاً هیچگاه موضوع اخراج ایشان از طریق هیئت جذب دانشگاه که مرجع اصلی تصمیم‌گیر در ورود و خروج اساتید است، نبوده است.

۲- ادعا شده است که فقط مکاتبات و دستوراتی که در حمایت ایشان بوده است را منتشر کرده‌اند. این در حالی است که تمامی مدارک و دستورات مراجع ذیصلاح وزارت علوم، شورای انقلاب فرهنگی و هیئت جذب مرکزی به نفع ایشان بوده است. آقای رئیس! یادتان است در جلسه‌ای که اخیراً با تعدادی از اساتید که پیگیر مسئله بودند داشتید، نتوانستید حتی یک مدرک علیه ایشان ارائه دهید و نهایتاً مجبور شدید متوسل به ادعای مخالفت بعضی افراد گروه با ایشان شوید؟ پس چرا این ادعای کذب را در بیانیه آورده‌اید؟

شرکت هیرمند در تبلیغات خود از برند دانشگاه استفاده می‌کند ولی تاکنون جز خسران و وبال هیچ عایدی برای دانشگاه نداشته است. تاکنون چندین میلیارد تومان از پول دانشگاه و نیز مطالبات دانشگاهیان از شرکت چند منظوره را بلعیده است و در ازای آن چند ورق کاغذ بعنوان سهام داده است. اگر در آینده نه چندان دور این شرکت هم اعلام ورشکستگی کند، آن همه پول دانشگاه و دانشگاهیان بر باد خواهد رفت اگر چه فعلاً نیز دست کمی از آن ندارد و از گردونه رفع نیازها خارج شده است. اکنون چند پروژه عمرانی راکد مانده، گرنت پژوهشی داده نشده است، حق‌التدریس عقب افتاده است، بودجه فرهنگی کاهش یافته است، ...

آیا تجربه‌های قبلی در ائتلاف پول دانشگاه، برای رئیس دانشگاه و رفقاییش کافی نیست؟ فقط بعنوان یک نمونه از این تجربه‌ها، تعدادی از دانشکده‌ها در سال‌های اخیر، بخش از درآمدهای اختصاصی خود (چند ده میلیون تومان) را در اختیار شرکت چند منظوره قرار دادند و متأسفانه اکنون آن پول‌ها را عملاً بر باد رفته می‌بینند.

طبقه بالای بانک ملت!

اخیرا روابط عمومی دانشگاه طی اطلاعیه کوتاهی اعلام نمود که "تالار حکیمیه" به مزایده گذاشته می‌شود و متقاضیان به طبقه بالای بانک ملت مراجعه کنند. منظور از طبقه بالای بانک ملت، در واقع همان شرکت هیرمند است که مدیریت دانشگاه ذکر نام آن را چندان به صلاح خود نمی‌داند. تالار حکیمیه نیز جزو اموال شرکت ورشکسته و غیر قانونی "چند منظوره" است.

شرکت هیرمند پس از ورشکستگی شرکت چند منظوره، پوششی برای ادامه کار آن شد. اخیراً دانشگاه در دو نوبت مبالغ چندین میلیارد تومانی (در نوبت دوم شش میلیارد تومان) به این شرکت واگذار نموده است. البته قرار بوده چهارده میلیارد تومان دیگر هم در نوبت سوم داده شود که در پی روشنگری نشریه نبا، فعلاً معلق مانده است. همچنین این شرکت سرمایه‌گذاران مال‌باخته در شرکت چند منظوره را

برجام همانند هولوکاست

به رژیم اسرائیل و جاعلانش هر چه بگویند تا حدی تحمل می‌کنند ولی اگر حقیقتی که مختصری برخلاف هولوکاست ادعایی آنها است بیان گردد، دیوانه شده و صاحب بیان را بیچاره می‌کنند.

دولت یازدهم، حین مذاکرات برجام، به صدا و سیما اجازه نداد تا به منتقدین فرصت بیان نقدها و دلسوزی‌هایشان را بدهد. گفتند بگذارید برجام به فرجام برسد آنوقت نقد کنید! حتی به منتقدین ناسزا داده و آنها را تمسخر و استهزاء نمودند.

اکنون پس از دو سال از فرجام برجام، صدا و سیما کمی جرات کرد و یک مناظره تلویزیونی با حضور دو کارشناس موافق و مخالف برجام ترتیب داد. البته استدالات کارشناس مخالف قوی و مستدل و منطبق بر واقعیات بود. همین یک برنامه مناظره کافی بود تا دولت را آشفته و سراسیمه کند. وزارت امور خارجه، اطلاعاتیه (دقت کنید، اطلاعاتیه) داد و --وار بر صدا و سیما حمله‌ور شد و به آن کارشناس منتقد برجام توهین‌ها کرد و او را تهدیدها نمود!! البته این نوع برخورد زشت و مستبدانه با استدالات یک کارشناس، عمق فاجعه برجام را بیشتر نمایان می‌کند.

اکنون سوال ما از تاریخ آن است که مردم پس از چه زمانی توانستند آزادانه نظرات خود را علیه قرارداد ننگین ترکمانچای بیان کنند؟

عزت، حاصل رفتار عزتمندانه است

موضع‌گیری جدی و عزتمندانه مسئولین کشور با کمیته المپیک کره جنوبی و شرکت سامسونگ، جواب داد و عزت ملی حفظ شد. بلی، اگر در مقابل رفتارهای توهین‌آمیز امثال فرانسه هم موضع‌گیری ذلت‌مندانه و مماشات جای خود را به موضع‌گیری عزتمندانه بدهد، اینقدر مجبور نخواهیم بود امتیازات محرمانه به آنها بدهیم.



دانشگاه علم و صنعت ایران

نشریه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و علمی
بسیج اساتید دانشگاه علم و صنعت ایران

مطالب منتشر شده در نشریه لزوماً موضع بسیج اساتید دانشگاه نیست.

نشریه با از هرگونه انتقاد، پیشنهاد یا مطالب ارسالی محترم استقبال می‌کند. جهت ارسال مطالب خود، آنها را به آدرس الکترونیکی naba@iust.ac.ir ارسال فرمایید.

صاحب امتیاز:
بسیج اساتید دانشگاه علم و صنعت ایران

مدیر مسئول: حسین صالح زاده
سرمدیر: محمد خلع امیرحسینی

توجه به مسئله دلبستگی قهری و قانونی به خاک آمریکا از سمت خود استعفاء دهند و ثانیاً این تخلفات را انجام ندهند تا در نشریه چیزی نوشته نشود و احیاناً تنش ایجاد نگردد؟

یاد حضرت امام خمینی (ره) بخیر. رژیم سفاک و فاسد شاه روحانیون را احضار و هشدار داده بود که سه مطلب را نگویند: علیه شاه، علیه اسرائیل و در خطر بودن دین. آنوقت حضرت امام فرموده بودند: "تمام گرفتاریهای و اختلافات ما در همین سه موضوع است ... اگر ما نگوئیم اسلام در خطر است آیا در معرض خطر نیست؟ اگر ما نگوئیم شاه چنین و چنان است آیا این طور نیست؟ اگر ما نگوئیم اسرائیل برای اسلام و مسلمین خطرناک است آیا خطرناک نیست؟ و اصولاً چه ارتباطی و تناسبی بین شاه و اسرائیل است که سازمان امنیت می‌گوید از شاه صحبت نکنید، از اسرائیل صحبت نکنید؟ آیا به نظر سازمان امنیت شاه اسرائیلی است؟"

در هر صورت، دست‌اندرکاران نشریه نبا پیشنهاد می‌کنند در جلسه‌ای با حضور تمامی اساتید محترم دانشگاه، با ریاست دانشگاه یا نمایندگان ایشان مناظره‌ای را انجام دهند تا حقایق درج شده در این نشریه بیش از پیش بر همگان روشن گردد.

اداره رفاه و پیشنهادات اساتید

اداره رفاه دانشگاه خدماتی را برای رفاه حال دانشگاهیان انجام داده و می‌دهد. امیدواریم این خدمات مرضی رضای خداوند باشد. البته دانشگاهیان پیشنهادات و انتقاداتی دارند که شنیدن آنها می‌تواند سطح خدمت‌رسانی اداره رفاه را بالاتر ببرد. بعنوان مثال، فراهم نمودن امکان انجام اموراتی همگانی و وقت‌گیر همچون دریافت کارت هوشمند ملی در دانشگاه از جمله درخواست‌های دانشگاهیان و بویژه اساتید است. پیشنهاد می‌گردد، مسئول محترم اداره رفاه بصورت حضوری یا لااقل کتبی از نقطه نظرات اساتید و کارکنان آگاه گردند.

برخورد قانونی با تخلف پرچمی؟

دانشگاهیان انقلابی علم و صنعت منتظرند تا ببینند بالاخره آیا برخورد قانونی و عبرت‌آموز با تخلف‌خاانان آن تشکل هنجارشکن و اسرائیل شادکن صورت می‌گیرد یا نه؟ متأسفانه اکنون پس از دو ماه هنوز خبری نیست. اگر تخلف کوچکی توسط یک تشکل مذهبی صورت گرفته بود تاکنون کارش را یکسره کرده بودند. رئیس دانشگاه بدانند که این موضوع با گذشت زمان به فراموشی سپرده نخواهد شد.

در شماره قبل نشریه، چند نمونه از دستورات صریح مراجع ذیصلاح در حمایت از ایشان منتشر شدند. اینک ما از شما تقاضا داریم، حتی اگر یک دستور علیه ایشان دارید منتشر نمایید تا رسوا شود هر که در او غش باشد.

۳- دستور مراجع ذیصلاح به ریاست دانشگاه در خصوص بازگشت به کار آقای مساح، هم قبل و هم بعد از مراجعه به دیوان عدالت اداری بوده است. بنابراین بهانه کردن رجوع به دادگاه بی‌مورد است.

۴- گفته شده که ایشان برونه به دادگاه مراجعه کنند. چگونه است که وقتی بعضی اساتید با رسانه‌ها مصاحبه می‌کنند می‌گویند چرا مسائل دانشگاه را به بیرون دانشگاه می‌کشاند، آنوقت به آنها می‌گویند بروید به قوه قضائیه مراجعه کنید؟ ضمناً چگونه است که علیرغم ارجاع پرونده هتاک دوم (ه. اف) به قوه قضائیه از طرف هیئت انتظامی اساتید، منتظر حکم دادگاه نشدید و بر خلاف نص صریح قانون فعالیت وی را معلق نکردید؟ نوبت به افرادی همچون آقای مساح که می‌شود، از تمامی دستورات مراجع ذیصلاح قانونی سرپیچی می‌کنید و موضوع را به دادگاه ارجاع می‌دهید؟ پس مناسبات اداری شما با مقامات مافوق و سلسله مراتب اداری چه می‌شود؟

در آخر این بیانیه، مجدداً همان جمله تکراری و ملال‌آور ریاست دانشگاه آورده شده است که ما هر حکمی را بی‌درنگ اجرا خواهیم نمود. خوب، اگر چنین بود که کار بدینجائی رسید و این ظلم همانند ظلم‌های دیگر شما در حق بعضی دیگر از اساتید جوان (شرح بعضی از آنها در شماره‌های قبلی داده شده است) بوقوع نمی‌پیوست. الا لعنه ... علی الظالمین.

با رئیس کاری نداشته باشید

پس از روشنگری‌های نشریه نبا نسبت به تخلفات و سوء مدیریت دانشگاه، پیغام پسمام‌های متعددی از طرف افرادی که عمدتاً پست مدیریتی دارند، به دست‌اندرکاران نشریه رسیده است. آنها می‌گویند اگر اولاً چرا مشکلات را می‌نویسید ثانیاً لااقل مخاطبتان رئیس دانشگاه نباشد. حتی یکی از این افراد می‌فرمودند که فساد مالی در همه جای مملکت وجود دارد! و دانشگاه هم جزوی از این مملکت است و نوشتن شما فقط منجر به افزایش تنش می‌شود!!

اولاً مگر دائماً نمی‌گویند دانستن حق مردم است و ما طرفدار شفافیت هستیم. ثانیاً تخلفاتی همچون مسائل مالی یا ظلم به اساتید جوان و میدان دادن به هنجارشکنان جز با دستور رئیس دانشگاه امکان ندارد ثالثاً آیا بهتر نیست به ریاست دانشگاه بفرمایید اولاً با